

تأملی درباره «تکرار جرم» در فقه امامیه و حقوق ایران

میرزا محمد واعظی
عضو حلقه علمی افق

چکیده: بحث از عوامل تشدید مجازات در نظام کیفری اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا تعیین مجازات متناسب با بزه انجام شده سبب رعایت اصول انسانی و اسلامی، مثل اصل عدالت کیفری و تناسب بین جرم و مجازات می‌شود و این امر سلامت روانی جامعه را بیشتر تامین می‌کند.

یکی از جهات عام تشدید مجازات، تکرار جرم می‌باشد که به نوبه خود تاثیر به سزایی در تامین اهداف مجازات می‌گذارد و شخص بزه‌کار را از انجام مجدد جرم باز می‌دارد. در این بحث تعیین شرایط لازم برای تحقق تکرار جرم و حدود تشدید در آن اهمیت مسئله را دو چندان می‌نماید؛ زیرا در صورت اشتباه اگر میزان مجازات بزه‌کار کمتر یا بیشتر از میزان جرم او باشد، اصل عدالت کیفری زیر سوال می‌رود و تشخیص دقیق این موضوع نیاز به تحقیقی صحیح دارد.

کلیدواژگان: جهات عام، تشدید مجازات، تکرار جرم، جرم سابق، جرم لاحق.

طرح مسئله

در قوانین جزایی «اصل عدالت کیفری» از جایگاه والایی برخوردار است، از این اصل یاری استخراج می‌شود و اصول و قواعد جزایی زیادی با آن در ارتباط هستند.

تشدید مجازات به‌جا، یکی از مصادیق اجرای «اصل عدالت کیفری» است؛ چراکه تناسب مجازات با شخصیت و جرم مجرم و تعیین دقیق عوامل تشدید مجازات، اجرای کامل‌تر و گسترده‌تر عدالت را در بر دارد. این مهم از گذر بررسی تطبیقی مبانی و مصادیق جهات تشدید در فقه اهل‌بیت: و حقوق محقق می‌شود.

«تکرار جرم» از جمله جهات عمومی تشدید مجازات است که لازم است مصادیق و مبانی حقوقی آن در تطبیق با فقه امامیه مورد واکاوی قرار گیرد؛ از این رهگذر است که اصل‌هایی مانند: «اصل عدالت کیفری»، «قانونی بودن جرم و جنایت» و «تناسب بین جرم و مجازات» در رابطه با مجرم با دقت بیشتری اجرا می‌گردند. این امر در نهایت به بیشتر شدن سلامت روانی جامعه خواهد انجامید.

در این‌باره پرسش‌هایی مطرح است از جمله اینکه؛ آیا تعریفی صحیح و دقیق از تکرار جرم «در فقه امامیه به عنوان مبنای حقوق اسلامی ارائه شده است؟ آیا در قرآن آیاتی وجود دارد که بر تشدید مجازات در صورت تکرار جرم دلالت کند؟ آیا انواع «تکرار جرم» در حقوق، مبنای شرعی دارد؟ آیا در فقه امامیه برای تحقق تکرار جرم شرایطی مطرح شده است؟ آیا مبنای حقوق اسلامی در مسئله «تکرار جرم» با مبنای شرعی سازگاری کامل دارد؟ حدود تشدید «تکرار جرم» به چه میزان است؟ در این نوشتار سعی شده است تا جوانب مختلف این مسئله حقوقی از دیدگاه فقه امامیه مورد بررسی قرار گیرد.

تعریف تشدید مجازات

«تشدید مجازات» در علم حقوق چنین تعریف شده است: رخداد شرایط و عوامل خاصی که بر اساس آن قانون‌گذار بر اعمال مجازات سنگین‌تر نسبت به فرد خاطی، وادار شده است!

گرچه در کتب فقهی برای تشدید مجازات تعریفی ارائه نشده است؛ اما گاه از آن به «تغلیظ العقوبه» تعبیر شده است. همچنین در بعضی از واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌های اصطلاحات فقهی تعاریفی از آن به عمل آمده است. از جمله این تعریف: «جرائم در حالت عادی، مجازات معمول و مشخص خود را دارند، ولی گاهی اوضاع و احوال، زمان یا مکان و یا حتی کیفیت اجرای جرم، از شقاوت و سنگدلی بیش از حد مجرم حکایت دارد و به دلیل همین شخصیت نامتعادل او، مجازات عادی برای او کافی نیست، از

این رو، مجازات او شدت وحدت بیشتری لازم دارد. که به آن تشدید مجازات گفته می‌شود.^۱ در کتاب فرهنگ فقه، تغلیظ (سخت‌گیری و در تنگنا قرار دادن کسی) به دو گونه گفتاری و رفتاری تقسیم گردیده که از تغلیظ رفتاری به «تشدید مجازات» تعبیر شده است.^۲

تعریف تکرار جرم

«تکرار جرم» یکی از جهات عام تشدید مجازات است که به جرم معینی نیز اختصاص ندارد و قابل تسری به تمام جرائم می‌باشد. تکرار یک جرم از عدم اصلاح مجرم و اصرار او در نقض قوانین کیفری حکایت می‌کند.

«تکرار جرم، در علم حقوق چنین تعریف شده است: حالت شخصی است که به طور قطعی به مجازات محکوم شود و به واسطه ارتکاب مجدد جرم در معرض محکومیت جزائی قرار گیرد.^۳ همچنین اگر شخصی مرتکب جرائم متعدد شود. در صورتی جرم یا جرائم بعدی پس از آنکه در مورد جرم قبلی حکم محکومیت قطعی صادر شده، انجام گرفته باشد، عمل وی را «تکرار جرم» می‌گویند.^۴

در فقه تعریف خاصی از «تکرار جرم» ارائه نشده است؛ اما برای صدق عنوان تکرار جرم، شرایط خاصی بیان شده است که می‌توان با بررسی آنها، تعریفی دقیق ارائه نمود. از جمله شرایطی که برای حالت «تکرار جرم» در کتب فقهی امامیه بیان شده این است که جرم انجام شده مجدد از نوع جرم اول باشد. بنابراین انجام دوباره جرمی که متفاوت از نوع جرم اول است، جزء موارد «تکرار جرم» محسوب نمی‌شود. به طور مثال؛ تکرار خوردن حرام موجب مجازات قتل است.^۵ اگر حد قذف ۳ بار تکرار شود، قاذف در مرتبه چهارم کشته می‌شود.^۶ تجارت سموم کشنده، ممنوع و قابل مجازات و در صورت تکرار موجب قتل است.^۷ سرقت در مرتبه چهارم موجب قتل است.^۸ مساحق

۱. یعقوب خاوری و همکاران، واژه‌نامه تفصیلی فقه جزا، ص ۱۲۴.

۲. موسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی، فرهنگ فقه، ج ۲، ص ۵۴۹.

۳. علی آبادی، حقوق جنائی، ج ۲، ص ۲۸۶.

۴. پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، ص ۷۶۸.

۵. شیخ طوسی، النهایة، ص ۷۲۲؛ ابن ادریس، السرائر، ج ۳، ص ۴۷۸.

۶. شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۹، ص ۱۹۰.

۷. شیخ طوسی، النهایة، ص ۷۱۳.

۸. شیخ طوسی، الخلاف، ج ۵، ص ۴۴۲.

در صورت تکرار به مرگ محکوم می‌شود.^۱ شرب خمر در مرتبه چهارم موجب قتل است.^۲ در این عبارات ارتکاب مجدد جرم در صورت هم نوعی با جرم اول، «تکرار جرم» به حساب آمده است.

همچنین فقها ارتکاب دوباره یک جرم را در صورتی از مصادیق «تکرار جرم» می‌دانند که بعد از محکومیت قطعی مجازات جرم اول و اجرای آن باشد و صرف انجام دادن مجدد یک جرم را «تکرار جرم» نمی‌دانند. به عنوان مثال گفته شده است که تکرار قذف قبل از اجرای حد به منزله یک قذف است.^۳ در نوشیدن چند بار مسکر قبل از اجرای حد، یک حد را جاری می‌کند.^۴ تکرار سرقت در مرحله چهارم سبب ثبوت حد قتل می‌گردد، به شرط آنکه پس از ارتکاب هر بار در مراحل قبلی، حد اجرا شده باشد.^۵ اما اگر سرقت تکرار شود و در خلال آن حد جاری نگردد، دست سارق یک بار بریده می‌شود.^۶ تکرار زنا؛ شرب خمر و سرقت قبل از اجرای حد به منزله یک حد است.^۷ ظاهر این عبارات دلالت بر این می‌نماید که انجام مجدد یک جرم قبل از محکومیت قطعی و اجرای حد جرم اول به منزله تکرار نمی‌باشد. با توجه به این توضیحات تعریف «تکرار جرم» در اصطلاح فقه جزا از این قرار است:

تکرار جرم وضعیتی است که شخص بعد از محکومیت قطعی و اجرای مجازات، مجدداً مرتکب همان جرم شده باشد. در تأیید این دیدگاه دلایل نقلی از آیات و روایات نیز وجود دارد، از جمله این آیات سوره فرقان:

﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا * يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا^۸﴾؛ «و کسانی که با خدای یکتا خدایی دیگر نخوانند و انسانی را که خدا محترم داشته جز به حق نکشند و زنا نکنند و هر که چنین کند به زودی سزا ببیند ... عذابش دو برابر شود ...»^۹

۱. شیخ مفید، المقنعة، ص ۷۸۷.

۲. شیخ طوسی، الخلاف، ج ۵، ص ۴۷۳.

۳. شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۹، ص ۱۹۰.

۴. همان، ص ۲۰۶.

۵. اصفهانی نجفی، جواهرالکلام، ج ۴۱، ص ۳۳۱.

۶. شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۹، ص ۲۸۷.

۷. علامه حلی، ارشاد الادهان الی الاحکام الایمان، ج ۲، صص ۱۷۴، ۱۸۰ و ۱۸۴.

۸. فرقان ۶۸ و ۶۹.

۹. محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۵، ص ۳۳۰.

آیه شریفه، پس از اشاره به چند جرم؛ یعنی شرک، قتل عمد و زنا، یاد آور شده است که انجام جرائم مزبور، افزایش کیفر را به دنبال دارد. هر چند آیه، صراحت در این ندارد که تشدید مجازات به دلیل انجام چند جرم؛ یعنی جرائم ذکر شده در آن می باشد. به همین دلیل برخی با توجه به این باور که خداوند زیاده از استحقاق مجرم، کیفر را افزایش نمی دهد، نتیجه گرفته اند که دو چندان شدن عذاب ذکر شده در آیه از اجزای مجازات می باشد نه تشدید آن^۱، اما به هر حال در آیه شریفه پس از بیان چند جرم، از دو چندان شدن مجازات سخن به میان آمده و همین مقدار، دست کم برای استدلال به ظاهر آیه برای اثبات فرع مورد بررسی، کافی به نظر می رسد. گفتنی است که برخی مفسران به این مطلب اشاره کرده اند^۲.

به عنوان نمونه در تفسیر نور گفته شده است که: به اتفاق همه علماء و مفسران - با توجه به ادامه آیه که بحث خلود مطرح شده است - زنا به تنهایی سبب جاودانگی در دوزخ نمی شود^۳، بنابراین مسئله خلود و جاودانگی در دوزخ تنها برای کسی است که مرتکب هر سه گناه شده باشد. در تفسیر المیزان نیز سه احتمال درباره خلود بیان شده است و از بین آنها احتمال سوم یعنی اینکه کلمه «ذَلک» به همه این سه اشاره دارد، برگزیده شده است^۴. بنابراین دو چندان شدن عذاب به دلیل تشدید مجازات است، نه اینکه از اجزای مجازات باشد.

با این حال این آیه هنگامی می تواند قرینه ای بر تشدید مجازات در تکرار جرم باشد که هم نوعی جرم سابق و لاحق را شرط ندانیم و نیز شخص مجرم برای جرم اول محاکمه نشده باشد.

انواع تکرار جرم

تکرار جرم بر حسب تشابه جرم اول و دوم یا فاصله زمانی بین ارتکاب جرم اول و دوم و مانند آن متفاوت است و به انواع مختلف تقسیم می شود. در این بخش به سه قسم از آن اشاره می کنیم: ۱- تکرار جرم دائم و موقت، ۲- تکرار جرم عام و خاص، ۳- تکرار جرم ساده و تصاعدی.

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۱۲.

۲. محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۹، ص ۲۴۲.

۳. محسن قرآنی، تفسیر نور، ج ۸، ص ۲۸۲.

۴. محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۵، ص ۳۳۴.

۱- تکرار جرم دائم و موقت

در تکرار جرم دائم برای تشدید مجازات بین جرائم ارتكابی و محکومیت‌های متوالی فاصله زمانی لحاظ نمی‌شود، اما در تکرار جرم موقت برای تشدید مجازات بین جرائم ارتكابی و محکومیت‌ها فاصله زمانی در نظر گرفته شده است، مثلاً مدت سه یا ده سال. در تکرار جرم موقت به دلیل وجود فاصله زمانی بین جرائم، ارتكاب جرم توسط مجرم از اصرار وی بر فعالیت مجرمانه سابق حکایت نمی‌کند تا وی را مستحق مجازات شدید نماید. در مورد چنین فردی گفته می‌شود:

«چون مدتی بین جرائم ارتكابی فاصله وجود دارد، عود متهم به ارتكاب جرم دلالت نمی‌کند که در فعالیت جنایتکارانه سابق که مستلزم مجازات شدید است لجاجت ورزیده باشد. چنین متهمی را با یک بیمار مقایسه کرده و می‌گویند ارتكاب جرم از طرف او در حکم عود به وضع سابق نیست، بلکه مانند بیماری است که ناخوشی جدید بر او عارض شده و محتاج مداوای خاص است.»^۱

در فقه کدام نوع تکرار جرم ملاک است، دائم یا موقت؟

از عبارات فقها^۲ چنین برداشت می‌شود که کلام آنها نسبت به فاصله زمانی انجام جرم^۳ اطلاق دارد. بنابراین اگر قرینه‌ای بر تقیید رفع تشدید مجازات نباشد، تشدید مجازات در هر بار تکرار، اعمال می‌شود و فاصله زمانی مانع از تشدید جرم نخواهد بود. در نتیجه به نظر می‌رسد که تکرار جرم دائم ملاک در فقه باشد.

۲- تکرار جرم عام و خاص

در تکرار جرم عام، ارتكاب جرائم متوالی از یک نوع، برای اعمال تشدید مجازات لازم نیست، اما در تکرار جرم خاص لازمه تشدید مجازات، ارتكاب جرائم هم نوع است. مثلاً در تکرار جرم خاص فردی که مرتکب جرح و ضرب شده، اگر بعداً مرتکب جرم کلاهبرداری شود، مشمول قواعد تکرار جرم نمی‌شود.

اختلاف نظر حقوق دانان، در اینکه آیا تکرار خاص موجب تشدید مجازات می‌شود یا صرف تکرار عامل مؤثر در تشدید است، علت تقسیم تکرار جرم به عام و خاص شده است.^۴

۱. عبدالحسین علی‌آبادی، حقوق جنایی، ج ۲، ص ۲۸۲.

۲. از جمله: «فی هذا الحد الاول قطع الاصابع الاربع و لو سرق ثانيا، قطعت رجلا یسرى و فی الثالثة یحبس ابدا و فی الرابعة یقتل» شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۹، ص ۲۸۴.

۳. اگر اطلاق را فقط محدود به نصوص ندانیم.

۴. رضا لطفی، تشدید و تخفیف در مجازات، ص ۲۰.

به نظر می‌رسد که با توجه به تعریف ارائه شده از تکرار جرم، در فقه تکرار جرم خاص ملاک می‌باشد.

۳- تکرار جرم ساده و تصاعدی (به عادت)

در تکرار جرم تصاعدی یا به عادت، مجرم، به ارتکاب جرم عادت کرده و آن را شغل خود قرار داده است. اما در تکرار جرم ساده، فاعل، اگرچه جرائم را چندبار انجام داده، ولی دیگر در پی تکرار و تجدید آنها نیست.

در هر دو مورد قانون‌گذار نسبت به تشدید مجازات مقرراتی را وضع کرده است که در مورد نوع اول شدیدتر است، زیرا عمل مجرم در این نوع از اصرار و تجرى وی حکایت می‌کند، اما در مورد دوم تشدید کمتری در نظر گرفته شده است.

در مورد این تقسیم‌بندی دو نکته مطرح شده است: نخست اینکه عمل مجرم در جرم تصاعدی حاکی از اصرار و تجرى وی است. به همین دلیل مجازات شدیدتری در پی دارد، اما در مورد جرم ساده که چنین اصراری در کار نیست، تشدید کمتری در نظر گرفته می‌شود و نکته بعد اینکه گفته شود تشدید مجازات در جرم تصاعدی نسبت به جرم ساده کمتر باشد، زیرا عادت در اراده مرتکب تأثیر می‌کند و از مقاومت او در مقابل تمایلات نفسانی می‌کاهد، به عبارت دیگر از چنین فردی، آزادی اراده سلب شده است. اما درباره نکته اول باید گفت که ماهیت اصرار (نقض و تهدید قوانین کیفری) در هر دو نوع تکرار جرم وجود دارد^۱، اما اینکه فاعل جرمی را انجام داده و در پی تکرار و تجدید آن نبوده (جرم ساده)، اگر ارتکاب این جرم عمدی بوده، قصد تکرار جرم در ارتکاب آن بارز است و اگر ارتکاب سهوی باشد این مورد مقوله‌ای جداست و بحث آن با انجام یک جرم با سوء نیت متفاوت است^۲.

و درباره نکته دوم باید گفت که «الامتناع بالاختیار لاینافی الاختیار»^۳ یعنی مجرم با اراده و اختیار خویش به انجام این جرم عادت کرده است و مکافات آن را نیز باید تحمل کند. در نتیجه به نظر می‌رسد فرقی بین جرم ساده و تصاعدی در نحوه تشدید نمی‌باشد.

۱. همان، ص ۲۲.

۲. البته وقوع تکرار جرم سهواً و بدون قصد عمد، جای تأمل دارد، مگر اینکه شخص مجبور شده باشد و یا مانند آن، که در این صورت قطعاً مجازات یا ساقط می‌شود یا با تخفیف همراه است، زیرا مهم‌ترین هدف از تشدید مجازات اصلاح و تربیت مجرم است که در صورت اخیر موضوعاً منتفی است.

. علی بهبهانی، الفوائد العلیة، ج ۱، ص ۱۴۷.

حکم تشدید مجازات در «تکرار جرم»

در حقوق جزائی ایران که بر اساس فقه امامیه است، حکم تشدید مجازات تنها در صورتی صادر می‌شود که در قانون پیش‌بینی شده باشد و قاضی نمی‌تواند به میل خود و در غیر موارد تعیین در قانون مجازات جرمی را تشدید کند، هر چند این جرم از نظر اجتماع بسیار زنده و خطرناک باشد. اختیار قاضی در این زمینه محدود به آن است که بین حداقل و حداکثر مجازات‌ها، مجازات مناسب با جرم ارتكابی را تعیین کند و نمی‌تواند بیش از حداکثر مجازات پیش‌بینی شده در قانون حکمی صادر کند.^۱

قانون مجازات اسلامی حکم تشدید مجازات را در مجازات‌های تعزیری و بازدارنده، مشمول مقررات «تکرار جرم» دانسته است^۲، اما در مجازات‌های غیر تعزیری و بازدارنده، همچون تکرار در سرقت و شرب خمر باید به ابواب خاص آنها مراجعه کرد.

در فقه حکم تشدید مجازات برای حد جرائمی مانند تکرار زنا، شرب خمر، قوادی، قذف و سرقت معین شده است و در مورد مجازات تعزیری و مانند آن، در مواردی نحوه تشدید مجازات در صورت تکرار جرم مشخص شده است و گاه نیز کم و کیف اعمال آن در اختیار حاکم قرار داده شده است؛ مثلاً در بحث کیفرهای پراکنده آمده است که اگر شخصی به ناموس دیگری که خویشاوندش است، نگاه کند، تنها او را از این کار نهی می‌کنند، مگر آنکه او به زن برهنه‌ای نگاه کند که در این صورت می‌توان او را پس از نهی و عدم تأثیر آن، با زدن سنگ از این عمل بازداشت و در سنگ انداختن هم باید در سنگی که به طرف او انداخته می‌شود رعایت مراتب را کرد. یعنی از سنگ کوچک آغاز نمود و کم‌کم به مقدار آن افزود، تا اینکه از این کار دست بردارد و اگر جز با انداختن چیزی که موجب کشته شدن او می‌شود، از این عمل منصرف نمی‌شود، خونس هدر خواهد بود^۳.

این عبارت با صراحت، به تشدید مجازات در صورت تکرار جرم دلالت دارد.

هدف یا حکمت تشدید مجازات در «تکرار جرم»

از آنجا که در مجازات تنها جنبه بازدارندگی عمومی و تأمین سلامت جامعه مطرح

۱. پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، ص ۷۶۰.

۲. قانون مجازات اسلامی، ماده ۴۸.

۳. شهید ثانی، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، ج ۹، ص ۳۵۲؛ اصفهانی نجفی، جواهرالکلام، ج ۴۱، ص ۶۶۲.

نیست، بلکه هدف مهم‌تر اصلاح و تربیت مجرم است تا اعمال ناپسند خود را در آینده تکرار نکند. بر این اساس اگر مجازات جرم اول در تغییر رفتار مجرم مؤثر نباشد و جرم تکرار شود، می‌بایست با توجه به شخصیت مجرم و حالات روحی و روانی وی، در مجازات بعدی تشدید نمود.

انتقاداتی نسبت به قانون تکرار جرم صورت گرفته است از جمله اینکه این قانون عادلانه و منصفانه نیست؛ چرا که مجرم، در برابر جرم اول مجازاتی را متحمل شده است و دیگر دلیلی برای تشدید مجازات در مورد جرم جدید وجود ندارد. در پاسخ باید گفت که تشدید در تکرار جرم به خاطر جرم اول نیست، بلکه مبنای تشدید حالات درونی مجرم است. یعنی مجازات سابق در وی اثر نکرده است و شایسته است که در صورت ارتکاب جرم جدید مجازات شدیدتری برای او در نظر گرفته شود.^۱

فقها نیز هدف اصلی حدود و تعزیرات را بازداشتن فاعل جرم از ارتکاب جنایات بعدی می‌دانند. سید مرتضی علم‌الهدی در این باره می‌گوید: «حدود با این هدف در شریعت پیش‌بینی شده‌اند که مردم را از ارتکاب فواحش و جنایات باز دارند».^۲ شهید اول و فاضل مقداد نیز می‌گویند: «احکام بازدارنده بر دو قسم‌اند؛ قسم اول، احکامی هستند که فاعل را از تکرار و دیگران را از ارتکاب آن عمل باز می‌دارند مانند حدود و تعزیرات و قصاص».^۳ فیض کاشانی هم در این باره می‌گوید: «و شایسته است که برای اجرای حد، مردم را مطلع سازند ... تا با حضورشان - همان‌گونه که حکمت حدود اقتضا می‌کند - عبرت و بازدارندگی حاصل شود».^۴ صاحب جواهر نیز حضور مردم را برای اجرای حد، سبب بازدارندگی مجرم و دیگران از ارتکاب جرم می‌داند و از آن به حکمت حد یاد می‌کند.^۵

شرایط لازم برای تحقق تکرار جرم

با توجه به مباحث گذشته، شرایط لازم برای تحقق تکرار جرم از این قرار است:

۱- قطعی شدن محکومیت جرم سابق

اما منظور از حکم قطعی چیست؟

۱. رضا لطفی، تشدید و تخفیف در مجازات، ص ۱۴.
۲. سید مرتضی علم‌الهدی، الانتصار، ص ۵۱۲.
۳. مقداد بن عبدالله فاضل سیوری، نضد القواعد الفقہیة، ص ۳۰۴.
۴. محسن فیض کاشانی، مفاتیح الشرایع، ج ۲، ص ۸۱.
۵. اصفهانی نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۳۵۳.

بر اساس قوانین و مقررات، حکم کیفری وقتی قطعی تلقی می‌شود که تمام مراحل دادرسی را گذرانده و دیگر شکایت‌پذیر نباشد مگر در موارد اعاده دادرسی^۱. طبق قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری یک و دو مصوب ۱۳۶۸ کلیه احکام دادگاهها قطعی نیستند؛ زیرا از یک حکم امکان تقاضای چند بار تجدیدنظر وجود داشت، همچنین تجدیدنظر از احکام کیفری به مدت زمان خاصی محدود نشده بود؛ بنابراین احکام کیفری از قطعیت برخوردار نبود^۲. باید اذعان داشت که در حال حاضر نیز قطعیت احکام کیفری در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

در زمان تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (سال ۱۳۷۳) انتظار می‌رفت نسبت به این موضوع عنایت لازم بشود؛ اما متأسفانه این چنین نشد و این مشکل مانند گذشته در سیستم قضایی ما حل نشده باقی ماند. با نگاهی گذرا در مواد این قانون به مشکل مذکور پی خواهیم برد. به عنوان نمونه از ماده ۷ این قانون به دست می‌آید که احکام دادگاه‌های عمومی و انقلاب قطعی است، مگر در مواردی که این قانون آنها را قابل نقض و تجدید نظر معرفی کرده است. از طرف دیگر در تبصره ماده ۲۴ آمده است:

«قطعیت حکم در صورتی است که از موارد سه گانه مذکور در ماده ۱۸ نباشد.»
ماده ۱۸ چنین می‌گوید:

«آرای دادگاه‌های عمومی و انقلاب اعم از حکم یا قرار در موارد زیر نقض می‌شود:
۱. قاضی صادر کننده رأی متوجه اشتباه رأی خود شود؛^۲ قاضی دیگری پی به اشتباه رأی صادره ببرد به نحوی که اگر به قاضی صادر کننده رأی تذکر دهد، متنبه گردد؛^۳ ثابت شود قاضی صادر کننده رأی، صلاحیت رسیدگی و انشاء رأی را نداشته است.»
همان‌طور که از ماده ۱۸ مشخص است در صورتی که یکی از موارد فوق در حکم مشاهده شود، حکم قابل تجدید نظر خواهد بود. بنابراین احکام، قطعی نیست و در صورت وجود یکی از موارد فوق یا موارد دیگر^۳ در حکم، حکم قابل تجدید نظر خواهی و نقض خواهد بود.

در پایان این بحث باید خاطر نشان کرد که احکام قطعی به احکامی اطلاق می‌شود

۱. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: مواد ۲۷، ۳۱۷ و ۳۸۶ قانون آئین دادرسی کیفری.

۲. ر.ک: مواد ۲۸ و ۳۵ قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری.

۳. ماده ۱۹ همین قانون مواردی از آرای قابل درخواست تجدید نظر را مشخص کرده است.

که به موجب هیچ یک از موارد تجدیدنظر مرقوم در قوانین کیفری قابل شکایت و طرح مجدد نباشند^۱.

۲- حکم قطعی باید به طور کامل اجرا شده باشد

بنابراین چنانکه محکوم بعد از صدور حکم و قطعی شدن آن و یا قبل از اجرا یا در اثنای مجازات مرتکب جرم دیگری شود، فعل او مشمول قواعد تکرار نخواهد شد.

۳- حکم محکومیت سابق باید تعزیری و بازدارنده باشد^۲

بنابراین محکومیت به مجازات‌هایی مانند حدود، قصاص و دیات در تشدید جرائم بعدی مؤثر نبوده و موارد مذکور از نظر تکرار جرم تابع شرایط خاص خواهند بود^۳.

۴- جرم اول و دوم، تعزیری یا نظیر آن باشد

بنابراین هرگاه جرم سابق و لاحق، غیر تعزیری باشد، قواعد تکرار جرم قابل اجرا نخواهند بود؛ زیرا مشمول قواعد خاص خواهد شد.

اما آیا ضرورت دارد که جرم دوم از نوع جرم سابق یا مانند آن باشد؟

در این باره باید گفت که در ماده ۲۵ قانون مجازات عمومی تکرار عام را مطرح کرده است، بنابراین اگر جرم دوم عین جرم اول بود، مجازات شدیدتری در نظر گرفته می‌شود^۴.

ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی تکرار جرم را منحصر به موردی کرده است که فرد، مرتکب همان جرم قبلی شده باشد، اما در ماده ۴۸، تکرار جرم نسبت به هر جرم قابل تعزیر، تعمیم داده شده است. مفاد این ماده با قواعد حقوق جزا انطباق بیشتری دارد و از سوء استفاده مجرمین حرفه‌ای جلوگیری می‌کند.

این مسئله در فقه، در ابواب حدود و قصاص مطرح می‌شود. بر اساس قواعد فقهی

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: غلامحسین عسگری، بررسی و نقد ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب.

۲. بر طبق ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی منظور از مجازات‌های بازدارنده، تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌گردد، مانند، حبس، جزای نقدی و ...

۳. جهت اطلاع از تکرار جرم در حدود ر.ک: مواد ۹۰، ۱۲۲، ۱۵۷ و ۱۷۹ ق.م.ا.

۴. طبق ماده ۲۵ قانون مجازات عمومی اگر مجرم مرتکب جرم جدیدی از نوع جرائم سابق می‌شد مجازات او شد.

باید جرم اول و دوم همسان باشند؛ یعنی اگر کسی مرتکب سرقت شد و برای بار دوم همین جرم را انجام داد، از مصادیق تکرار جرم به‌شمار می‌رود، ولی اگر برای بار دوم جرمی غیر از سرقت انجام دهد، دیگر مصداق تکرار جرم نخواهد بود.

حال با توجه به اینکه در شرع برای جرائمی مانند سرقت و مانند آن مجازات معینی تعیین شده، معلوم می‌شود که این نوع جرم نسبت به جرائمی با مجازات‌های تعزیری اهمیت بیشتری در نزد شارع دارند؛ زیرا در آنها اندازه مجازات به دقت مشخص شده و در صورت تکرار جرم نیز میزان تشدید تعیین شده است، بنابراین اگر در این نوع از جرم قائل به تشدید مجازات در صورت هم نوعی مجازات لاحق با سابق بشویم، به طریق اولی در مجازات‌های تعزیری و نظیر آن نیز این هم نوعی ملاک خواهد بود. علاوه بر آن قاعده «الْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ خَيْرٌ مِنَ الْاِفْتِحَامِ فِي الْمَحْرَمَاتِ»^۱ مؤید این ملاک است. همچنین نمی‌توان تشدید مجازات را به دلیل بازدارندگی بیشتر به صورت انجام جرم غیر هم نوع، تعمیم داد؛ زیرا این عمل با اصل رحمت و تخفیف در جزای اسلامی^۲ و اصل قانونی بودن جرم و مجازات^۳ منافات دارد؛ زیرا در شریعت تصریح بر این امر نشده و حتی توقف در این مسائل بهتر دانسته شده است.

در نتیجه برای تحقق تکرار جرم از دیدگاه فقهی وجود شرط دیگری به عنوان شرط پنجم ضرورت دارد.

۵- جرم لاحق از نوع جرم سابق باشد

بر این اساس ارتکاب جرم تعزیری در صورت تکرار همان جرم تعزیری با تشدید مجازات همراه است.

نکته قابل توجه در این شرط، عدم تفاوت بین جرائم عمومی و سیاسی از نظر قانون‌گذار است. اما با تأمل در قوانین موجود این‌گونه استنباط می‌شود که جرم سیاسی دارای دو ویژگی حدی و تعزیری است.

اگر جرم سیاسی ویژگی حدی داشته باشد، مانند محاربه یا آنچه در حکم محاربه است، از محدوده تکرار جرم ماده ۴۸ خارج خواهد بود، اما اگر متضمن ویژگی تعزیری باشد، مشمول قاعده تکرار جرم مندرج در ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی قرار می‌گیرد.

۱. شیخ حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۷، باب ۱۲، از ابواب صفات قاضی، حدیث ۱۳، ص ۱۵۸.

۲. ر.ک: عادل ساریخانی، اصول کلی حاکم بر حقوق جزا از دیدگاه قرآن، ص ۳۰۹.

۳. همان، ص ۳۲۱.

۶- محکومیت قبلی باید از محاکم ایران صادر شده باشد

هر چند به این شرط در قانون تصریح نشده است، اما با عنایت به تفاوت‌های بنیادی نظام کیفری مبتنی بر فقه اسلامی و لزوم اجرای احکام کیفری اسلام در مورد اتباع کشور ایران و با توجه به سرزمینی بودن قوانین کیفری این شرط موجه به نظر می‌رسد. البته باید توجه داشت که بین دادگاه‌های اختصاصی و عمومی کشور، تفاوتی از لحاظ مقررات تکرار جرم وجود ندارد.

حدود تشدید در تکرار جرم

الف. حدود تشدید در قانون و حقوق

میزان تشدید مجازات در تکرار جرم با توجه به تفاوت قوانین و دیدگاه‌های صاحب‌نظران در کشورهای مختلف متفاوت است. اما به طور کلی، شیوه تشدید از دو حالت خارج نیست؛ یا اینکه درجه مجازات تغییر می‌کند به عنوان مثال اگر مجازات جرمی فقط حبس باشد، در صورت تکرار جرم ممکن است مجازات او به حبس موقت با اعمال شاقه که یک درجه شدیدتر است، تبدیل گردد. یا اینکه مجازات اضافه‌ای در نظر گرفته می‌شود، مانند اینکه اگر مجرم سابقه محکومیت داشته باشد و مرتکب جرم دیگری شود به بیش از حداکثر مجازات (یا یک برابر و نیم یا دو برابر) محکوم می‌شود.

در قانون مصوب سال ۱۳۰۴ برای تشدید مجازات، استفاده از هر دو شیوه، اجازه داده شده است، اما در قانون مصوب سال ۱۳۵۲ قانون‌گذار، نظام ترکیبی یا تلفیقی گذشته را کنار گذاشته و فقط طریق دوم (تعیین حداکثر یا مجازات اضافه) را مجاز داشته است.

طبق ماده ۲۵ اصلاحی قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۵۲ برای مجازات تکرار جرم دو فرض پیش‌بینی شده است؛ ۱- جرم دوم همانند جرم اول باشد. در این صورت مجازات آن بیش از حداکثر مجازات جرم جدید خواهد بود به‌گونه‌ای که از دو برابر حداکثر مذکور تجاوز نکند.

۲- جرم دوم از نوع جرم قبلی نباشد. در این فرض مجازات او بیش از حداکثر مجازات جرم جدید خواهد بود، به‌گونه‌ای که از یک برابر و نیم حداکثر مذکور تجاوز نکند.

بیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی با تصویب قانون راجع به مجازات

اسلامی و قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۰ میزان تشدید تعیین نگردید و این امر باعث بروز مشکلاتی در صحنه مراکز قضایی کشور شد و اختلاف عمل در رویه به‌گونه‌ای بروز کرد که برخی دادگاهها به استناد مغایرت چنین حکمی با اصل قانونی بودن جرم و مجازات از محدوده حداکثر مجازات قانونی جرم یا را فراتر نگذاشتند. در حالی که برخی دیگر با توجه به خصوصیت تعزیری بودن این موضوع (تشدید مجازات) گاه نسبت به بیش از حداکثر مجازات قانونی اقدام می‌کردند. بنابراین به دلیل اینکه قانون‌گذار در ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی میزان تشدید را در اختیار دادگاه قرار داد، اختلافات شکل جدی به خود گرفت، به‌گونه‌ای که بعضی از محاکم در صورت تکرار و تعدد جرم، تشدید را فقط تا حداکثر مجازات قانونی جایز شمردند، در حالی که بعضی از محاکم مجازات بیش‌تر از حداکثر قانونی را نیز بلامانع می‌دانستند!

ب- حدود تشدید در فقه

۱- تشدید مجازات در جرائم تعزیری

در فقه برای جرائم منجر به حد و مانند آن در هر مرتبه تکرار جرم، مقدار تشدید مجازات مشخص شده است، اما در جرائم منجر به تعزیر، حتی مقدار تعزیر در ارتکاب اول هم به تصمیم امام یا جانشین امام واگذار شده است. در این‌باره گفته شده است: تعیین مقدار تعزیر به نظر امام یا کسی که نایب و جانشین امام است واگذار شده است. مانند هر تعزیری که در شرع برای آن مقدار خاصی تعیین نشده است.^۲

مرحوم آیت‌الله خوئی در این‌باره گفته است: نصوص خاص بر این دلالت دارد که تعزیر توسط حاکم اجرا می‌شود...، اما در مقدار تعزیر جماعتی از جمله محقق در کتاب شرائع گفته‌اند که این مقدار از حدّ آزاد در مورد فرد آزاد و از حدّ بنده در مورد بنده تجاوز نمی‌کند...، بلکه از ظاهر خبر صحیح حماد چنین برمی‌آید که مقدار تعزیر کمتر از حد مطلق است. از امام صادق علیه السلام روایت شده که مقدار تعزیر کمتر از حد است. از حضرت پرسیده شد که آیا از هشتاد تازیانه هم کمتر است؟ حضرت فرمود: بله، بلکه کمتر از چهل تازیانه که حد مملوک است، پرسیده شد: پس چه مقدار؟

۱. ر.ک: رضا نور بهاء، زمینه حقوق جزای عمومی، ص ۲۹۵؛ محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۲۳۵.

۲. شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة؛ شیخ طوسی، الخلاف، ج ۵، ص ۳۶۸.

حضرت علیه السلام فرمود: به اندازه آنچه که والی از گناه شخص و قوت بدنش می‌داند. بر این اساس آنچه یقینی است این است که مقدار تعزیر به مقدار حد نمی‌رسد، اما تقیید آن به بیشتر از آن ثابت شده نیست. پس تعیین مقدار تعزیر در اختیار حاکم است و البته باید کمتر از مقدار حد باشد.^۱

از این عبارت نکته‌های زیر به دست می‌آید:

- ۱- مقدار تعزیر کمتر از مقدار حد است و چون آرا در اینکه این مقدار کم‌تر از هشتاد تازیانه یا چهل تازیانه است، مختلف است، به قدر متیقن اخذ می‌کنیم؟^۲
- ۲- مقدار تعزیر به حسب گناه شخص و قوت بدنی وی متغیر است؛
- ۳- تشخیص مقدار تعزیر بر عهده حاکم است.

۲- تکرار مجدد جرم تعزیری

آیا در فقه امامیه تکرار مجدد جرم تعزیری می‌تواند مجازاتی بیشتر از مجازات حد داشته باشد؟

یکی از مهم‌ترین دلایلی که شارع مقدار مجازات را در جرائم منجر به حدّ معین نموده است، رعایت مصلحت فرد و جامعه و حفظ نظام جامعه است. در جرائم تعزیری نیز این ملاک وجود دارد. بنابراین ممکن است در این جرائم قائل به تشدید مجازات به مقدار حد شد. البته نوع جرم و چگونگی انجام آن و شرایط دیگر را باید لحاظ کرد. به همین دلیل می‌توان گفت که انجام مکرر یک جرم تعزیری می‌تواند عقوبت شدیدی را در بر داشته باشد. به عنوان نمونه اکنون پخش آثار مستهجن و عکس و فیلم‌های خصوصی و خانوادگی حتی در مرتبه اول نیز با مجازات سنگینی همراه است، چون مصلحت جامعه و آبروی افراد را به خطر انداخته است.

۳- عقوبت اعدام در جرائم تعزیری

احکام و شرایط اعدام برای ارتکاب گناهان که رهای که در بخش حدود مشخص شده‌اند، به تفصیل بیان شده است.^۳

۱. ابوالقاسم خوبی، مبانی تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۳۳۸.

۲. در دو صفحه بعد همین منبع، گفته شده که برای تعزیر حد خاصی نیست، بلکه مقدار آن به مصلحت و نظر حاکم سپرده شده است.

۳. ر.ک: شیخ مفید، المقنعة، ص ۷۸۷؛ شیخ طوسی، النهایة، صص ۷۰۹، ۷۱۳ و ۷۲۹؛ شیخ طوسی، الخلاف، صص ۴۲۲ و ۴۷۳؛ ابن‌دریس، السرائر، ج ۳، صص ۴۷۰ و ۴۷۸؛ شمس ناتری، بررسی تطبیقی مجازات اعدام،

قاعده فقهی «كُلُّ مُرْتَكِبٍ لِلْكَرَةِ إِذَا حُدَّ أَوْ عَزَّرَ، قُتِلَ فِي الثَّلَاثَةِ أَوْ الرَّابِعَةِ»^۱ مؤید آن است که گناه کبیره‌ای که جزء جرائم تعزیری باشد نیز در مرتبه سوم یا چهارم مجازات اعدام را در بر دارد.

در حدیث آمده است: «لَا صَغِيرَةَ مَعَ الْإِضْرَارِ وَلَا كَبِيرَةَ مَعَ الْإِسْتِغْفَارِ»^۲ از طرفی اگر صغیره یا کبیره بودن یک جرم تعزیری آن مشکوک باشد - شک هم بدوی نباشد - اصل را باید بر صغیره بودن آن گذاشت - دلیل آن اصل رحمت و تقدم آن در قرآن است - همچنین اگر دلیلی برای قتل مرتکب کبیره در دفعه سوم نداشته باشیم، احتیاط در خون اقتضا می‌کند که مجرم در دفعه چهارم کشته شود.^۳ در نتیجه اگر یک جرم تعزیری بارها تکرار شود، در دفعه پنجم عقوبت اعدام را در بر خواهد داشت، مگر اینکه با شبهه‌ای روبه‌رو شود. البته اگر مصلحت مسلمانان را به خطر اندازد، ممکن است در مرتبه اول، کیفری چون اعدام داشته باشد.

۴- مستحق تعزیر^۴

چه کسی مستحق تعزیر است؟

در شرح اللعنة الدمشقية گفته شده است که: هر کس واجبی را ترک کند یا حرامی را مرتکب شود، پیش از آنکه توبه نماید، به مقداری که حاکم تشخیص دهد تعزیر می‌شود.^۵ قاعده فقهی «كُلُّ مَا لَمْ يَرِدْ فِيهِ حَدٌّ مِنَ الشَّرْعِ فِي الْمَعَاصِي، فَفِيهِ التَّعْزِيرُ»^۶ بر این مطلب دلالت دارد.

همچنین قواعد دیگری از جمله:

«كُلُّ مَا اسْتَلْزِمَ الْحَرَامَ، فَهُوَ حَرَامٌ»^۷ و «كُلُّ مَا أَمَرَ بِهِ فَصَدَّهُ حَرَامٌ»^۸.

ص ۱۴۹.

۱. محمدعلی یربلی، قواعد فقه استدلالی (۱)، ص ۲۷۲.

۲. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۸۸.

۳. شهید ثانی نیز درباره مرتد ملی با توجه با احتیاط در خون قائل به کشته شدن در مرتبه چهارم می‌باشند. رک: شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللعنة الدمشقية، ج ۹، ص ۳۴۵.

۴. فتح/۹؛ اعراف/۱۵۷.

۵. شهید اول، اللعنة الدمشقية، ص ۲۴۱.

۶. محمدعلی یربلی، قواعد فقه استدلالی (۱)، ص ۲۷۲.

۷. همان، ص ۲۷۵.

۸. همان، ص ۲۷۶.

مصادیق فعل حرام و معصیت را با دقت بیشتری مشخص می‌کنند.^۱

نتیجه‌گیری و پیشنهاد:

نظام‌های حکومتی از دیرباز بر خوردهای متفاوتی با بزه‌کاری داشته‌اند. این برخوردها ناشی از مبانی حقوقی هر نظام در جرم‌انگاری است. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، که بر مبنای شریعت پایه‌گذاری شده است، اصول حقوقی زیادی وجود دارد که می‌توان به اصل قانونی بودن جرم و مجازات، تناسب بین جرم و مجازات و عدالت کیفری به عنوان مهم‌ترین آنها اشاره نمود. در پژوهش حاضر به منظور اجرای اصول مذکور، به‌ویژه تأمین عدالت اجتماعی، یکی از دلایل عام تشدید مجازات، یعنی تکرار جرم مورد بررسی قرار گرفته است. در حوزه مربوط به تعیین قلمرو تکرار جرم و تشدید مجازات، بررسی‌ها نشان می‌دهد که حقوق‌دانان نسبت به تعریف دقیق آن کم‌توجه بوده‌اند. به‌علاوه در تطبیق این مفهوم با مبانی فقهی بسیار پراکنده گویی شده است، به‌گونه‌ای که گاه، نگارنده خود مجبور شده است تا قلمرویی را با توجه به در نظر گرفتن قواعد و منابع فقهی و نظرات حقوق‌دانان تعریف کند.

در رابطه با تکرار جرم، در قوانین مصوب بعد از انقلاب، مشخص نشده است که آیا باید به حداکثر مجازات قانونی اکتفا نمود یا مجازاتی بیش از آن را در نظر گرفت؟ مخالفان مجازات بیش از حداکثر قانونی، به اصل قانونی بودن جرم و مجازات تمسک جست‌اند، اما باید توجه داشت که برای حفظ یک اصل نباید به موضوع دیگری همچون عدالت کیفری خدشه وارد شود، زیرا فردی که برای چندمین بار مرتکب جرم شده و کسی که برای اولین بار مرتکب جرم شده، از لحاظ مجازات یکسان نیستند و اگر ما به حداکثر مجازات قانونی اکتفا کنیم، در حقیقت عدالت کیفری را مورد توجه قرار نداده‌ایم.

در این خصوص پیشنهاد می‌شود که قاضی در صورت تکرار جرم، به مجازاتی بیش از حداکثر مجازات قانونی حکم صادر کند. البته این مقدار اضافه نباید از یک سوم حداکثر مجازات تجاوز کند. این همان شیوه‌ای است که ماده ۲۹۹ ق.م. از آن پیروی کرده است.

۱. برای مطالعه بیشتر رک: محمدفاضل لنکرانی، جامع‌المسائل استفتائات، ج ۲، ص ۵۴۳؛ جمعی از نویسندگان، ایرات از دیدگاه فقه و حقوق جزاء، ص ۲۸۰ به بعد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ادریس حلی، السرائر، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۰.
۳. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، میزان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۰.
۴. اصفهانی نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، دارالکتب الاسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۳ ش.
۵. بهبهانی، علی، الفوائد العلیة، مکتب دارالعلم، چاپ دوم، اهواز، ۱۴۰۵ ق.
۶. جمعی از نویسندگان، تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا، معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵.
۷. الحر العاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعة، مؤسسه آل البیت، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۴ ق.
۸. خاوری، یعقوب و همکاران (زیر نظر آیه الله عمید زنجانی)، واژه نامه تفصیلی فقه جزا، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد.
۹. خوبی غروی، ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، دارالهادی، قم، ۱۴۰۷ ق.
۱۰. دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، مجموعه مقالات همایش ملی پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه، کتاب قرآن و حقوق، بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه، مشهد، ۱۳۸۵.
۱۱. سید مرتضی (علم الهدی)، علی بن حسین، الانتصار، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۵ ق.
۱۲. شمس ناتری، محمد ابراهیم، بررسی تطبیقی مجازات اعدام، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۸.
۱۳. شیخ مفید، المقنعة، ج ۱، قم، ۱۴۱۰ ق.
۱۴. مکی العاملی، محمدبن جمال الدین (شهید اول)، اللمعة الدمشقیة، دارالفکر، قم، ۱۴۱۱ ق.
۱۵. زین الدین بن علی (شهید ثانی)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، داورى، قم، ۱۴۱۰ ق.
۱۶. شیخ طوسی، محمدبن حسن، الخلاف، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۷. شیخ طوسی، محمدبن حسن، النهایة فی المجرّد الفقه و الفتوی، منشورات قدس، قم.
۱۸. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، طرح نو، تهران، ۱۳۸۲.
۱۹. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
۲۱. عسگری، غلامحسین، بررسی و نقد ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، مجله فقه اهل بیت، ش ۵، ۱۳۸۴.
۲۲. حلی، ابومنصور حسن بن یوسف (علامه حلی)، ارشاد الازنهان الی احکام الایمان، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۰ ق.
۲۳. علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، فردوسی، تهران، ۱۳۶۸.
۲۴. فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل (استفتاءات)، امیر العلم، چاپ یازدهم، قم، ۱۳۸۳.
۲۵. فاضل مقداد سیوری، مقداد بن عبدالله، نضد القواعد الفقهیه، مکتب آیه الله مرعشی، قم، ق.

۲۶. فیض کاشانی، محسن، مفاتیح الشرائع، مجمع الذخائر الاسلامیه، قم، ۱۴۰۱ق.
۲۷. قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸.
۲۸. قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب اصلاحی ۱۳۸۱.
۲۹. قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰/۵/۸.
۳۰. قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲.
۳۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ دهم، ۱۳۸۳.
۳۲. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۸ق.
۳۳. لطفی، رضا، تشدید و تخفیف در مجازات، مجموعه حقوقی اداری فنی وزارت عدیله، ش ۱۲، ۱۳۱۸.
۳۴. مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی (زیر نظر آیه‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام)، ۱۳۸۴.
۳۵. نوربهاء، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، کنون وکلای دادگستری، تهران، ۱۳۶۹.
۳۶. همدانی، محمدباقر، ترجمه تفسیر المیزان، انتشارات اسلامی، چاپ چهاردهم، قم، ۱۳۸۰.
۳۷. یثربی، محمدعلی، درسنامه قواعد فقه استدلالی ۱ (به ضمیمه ۵۰۰ عنوان قاعده فقهی)، ۱۳۸۵.